

بازار مرزی و مناطق روستایی: بررسی نقش و جایگاه روستاییان در بازار مرزی شهرستان بانه

محمد امیرپناهی* - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج

مهدی طالب - استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

حسین میرزایی - استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۳/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر در پی بررسی نقش روستاییان در شکل‌گیری بازار مرزی شهر بانه و جایگاه آنان در شبکه روابط بازار مرزی است. شناخت زمینه‌ها و بسترهای شکوفایی دادوستد مرزی به منظور شناخت موقعیت روستائینی در این شهر از اهداف این مطالعه است. برای بررسی این موضوع از روش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد استفاده شد. موضوع در دو بخش بررسی نحوه تعامل و ارتباطات کنشگران روستایی با آن سوی مرز و جایگاه آنان در بازار بانه؛ و ترسیم تغییرات ایجاد شده در مناطق روستایی در نتیجه حضور روستاییان در بازار بررسی شد. براساس نتایج به دست آمده، شکل‌گیری و رونق فعالیت‌های بازار، فرایندی تاریخمند است و ریشه در کنش‌ها و پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و خویشاوندی ساکنان دو سوی مرز دارد. روستاییان به‌عنوان خط‌مقدم ارتباطات بین‌مرزی در شکل‌گیری این بازار اهمیت بسیاری دارند و توانسته‌اند در بخش‌های مختلف بازار نظیر واردات کالا، مغازه‌داری، ضمانت‌چی‌گری، کول‌بری و باربری جایگاهی پیدا کنند - هرچند که بسیاری از آنان بخش‌های فرودست بازار را اشغال کرده‌اند. چنین وضعیتی موجب شده است که بازار بانه نوعی ترکیب شهری-روستایی بیابد. به دلیل این حضور در فعالیت‌های بازار، تغییراتی در شیوه معیشت روستاییان و میزان روستائینی به‌ویژه از دهه ۱۳۸۰ به بعد ایجاد شد. در سال ۱۳۹۰ صرفاً ۱۶ درصد از شاغلان در بخش کشاورزی اشتغال داشتند و حجم بالایی از مهاجرت روستاییان به شهر پس از این دوره (فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا کنون) صورت گرفت.

کلیدواژه‌ها: بازار مرزی، ترکیب شهری-روستایی بازار، روستاییان، گروه‌های بازار، مهاجرت روستا به شهر.

مقدمه

مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز کشور و همجواری و تماس با محیط‌های بیرونی، ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. همجواری مناطق مرزی با کشورهای دیگر فرصت‌هایی را برای فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت ساکنان آن فراهم کرده است. وجود اشتراکات قومی، فرهنگی و اجتماعی همواره به شکل‌گیری ارتباطات و مراودات پایدار مرزی در ابعاد گوناگون کمک کرده است. از این رو دولت‌ها به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق مرزی بی‌توجه نبوده و همواره تلاش کرده‌اند چارچوب‌های قانونی را برای نظام‌مند کردن مناسبات بین مرزی فراهم کنند. در گذر زمان، تجارت بین مرزی در نواحی مرزی ایران تحولاتی یافته و از دهه ۱۳۷۰ به این سو اشکال نهادینه‌تر و پایدارتری به خود گرفته است. با گسترش مبادلات تجاری در سال‌های بعد از جنگ ایران و عراق و افزایش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، سیاست‌گذاری دولت به سمت کاهش تجارت غیررسمی و تثبیت جمعیت مناطق مرزی، از طریق شیوه‌های جدید همکاری‌های منطقه‌ای معطوف شد. در این دوران، معابر و گذرگاه‌هایی با نام بازارچه‌های مرزی برای واردات و صادرات کالا ایجاد شد. ایجاد بازارچه‌های مرزی به عنوان روشی نوین برای توسعه اقتصادی مناطق مرز نشین از سال ۱۳۶۸ و به طور ویژه از اوایل دهه ۱۳۷۰ در دستور کار قرار گرفت (پیشرو، ۱۳۸۰) و تغییراتی را در تولید، اشتغال، و افزایش سطح درآمد ایجاد کرد. این بازارچه‌ها در کنار معابر غیررسمی (قاچاق) در برخی از مناطق مرزی، بازارهای مرزی عرضه‌کننده انواع گوناگون کالاهای خارجی را شکل دادند و با وارد کردن کنشگران مختلفی در این عرصه، تغییراتی را در نواحی شهری و روستایی پدید آوردند.

در میان استان‌های مرزی کشور، استان کردستان در دو دهه اخیر به دلیل واردات کالاهای متنوع خارجی، اهمیت تازه‌ای یافته و شهرهای مرزی آن، نظیر بانه و میوان، شهرت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. تحولات سال‌های اخیر شهرستان بانه، این شهر را به مرکز مهم عرضه کالاهای ارزان یا شهر خرید کالاهای خارجی ارزان قیمت تبدیل کرده است. در پی این تحولات، جمعیت زیادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم - بومی و غیربومی، و روستایی و شهری - در فعالیت‌های

تجاری این شهر مشغول به کار شدند. در گذر زمان و تداوم ارتباطات بین‌مرزی، هنجارها، قواعد و رویه‌هایی ایجاد شد و گروه‌ها و کنشگران مختلفی در عرصه تجارت به‌وجود آمدند. در این میان، نقش برخی از گروه‌ها نظیر ساکنان روستاهای مرزی در پایه‌گذاری و رونق تجارت مرزی اهمیت ویژه‌ای دارد. روستاییان از گذشته جایگاه ویژه‌ای در تجارت مرزی داشتند و امروزه نیز از کنشگران اصلی آن قلمداد می‌شوند. آنان با سکونت در نوار مرزی، حلقه آغازین ارتباطات و مراودات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با آن سوی مرز را تشکیل دادند و از پایه‌گذاران تجارت مرزی به‌شمار می‌آیند. این موضوع نشان‌دهنده ریشه‌داری و «حک‌شدگی»^۱ مراودات اقتصادی در روابط اجتماعی و مناسبات تاریخی ساکنان دو سوی مرز است. فعالیت‌های بازار در گذر زمان و در بستر این روابط ریشه‌دار ایجاد شده‌اند و نمی‌توان آنها را از این بافت و زمینه جدا کرد.

در پژوهش حاضر تلاش شده است با مطالعه نقش کنشگران روستایی در بازار بانه، موقعیت آنان در بازار و تغییراتی که در جامعه روستایی ایجاد کرده‌اند، ترسیم شود. مطالعه نقش این گروه از فعالان اقتصادی (روستاییان) در روند شکل‌گیری و تداوم بازار بانه، علاوه بر شناخت بسترهای دادوستد مرزی، امکان تشریح میزان تغییرات ایجادشده در جایگاه روستائینی و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با جامعه روستایی را فراهم می‌آورد. به‌علاوه، به درک این مسئله کمک می‌کند که در نتیجه نقش‌آفرینی کنشگران مختلف (اعم از شهری و روستایی) در فرایند تجارت مرزی، ترکیب گروه‌های بازار چگونه خواهد بود. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است:

۱. نقش روستاییان در شکل‌گیری بازار مرزی و جایگاه آنان در شبکه روابط بازار مرزی چیست؟
۲. روستاییان چه بخش یا بخش‌هایی از بازار را تشکیل می‌دهند و با حضور آنان در فعالیت‌های بازار، روستائینی چه تغییراتی کرده است؟

1. Embedded

معرفی میدان تحقیق

استان کردستان به دلیل همجواری بودن و داشتن اشتراکات مختلف فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با کردستان عراق، سابقه طولانی تجارت مرزی با این ناحیه دارد. شهرهایی نظیر بانه و مریوان که در نوار مرزی واقع شده‌اند، درگاه اتصال این استان و سایر استان‌های کشور با کردستان عراق هستند. شهر بانه در شمال غربی استان کردستان از جنوب و غرب با عراق هم‌مرز است و حدود ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و همسایه جنوبی آن استان سلیمانیه عراق است (سایت فرمانداری بانه، ۱۳۹۲). سلیمانیه عراق در سال‌های اخیر و به دلیل سیاست‌های حکومت منطقه کردستان عراق رونق یافته است (مقصودی، ۱۳۸۴؛ پیشگاهی‌فرد و نصرالهی، ۱۳۹۱؛ Stansfield, 2003). مذهب مردم بانه تسنن و زبان آنان کردی و به گویش سورانی است (توکلی، ۱۳۵۴). شهر بانه براساس تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۲۵ تحت عنوان «بخش» از توابع شهرستان مهاباد بود. با شهرستان شدن سقز، «بخش بانه» ضمیمه این شهرستان شد و در سال ۱۳۳۷ به‌عنوان شهرستان هویت مستقلی پیدا کرد و اکنون دارای ۴ شهر، ۴ بخش، ۸ دهستان و ۱۹۴ روستای دارای سکنه است. در بانه یک بازارچه دائمی به نام «بازارچه مرزی سیران‌بند» و دو بازارچه موقت به نام‌های «هنگه ژال» و «گله سوره» فعالیت می‌کنند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ۷۲).

سوابق تجربی و نظری تحقیق

بررسی مطالعات انجام‌شده درخصوص دادوستد مرزی نشان می‌دهد که پدیده تجارت مرزی عمدتاً از نظر اقتصادی و نقش آن در افزایش متغیرهای اقتصادی یا مؤلفه‌های امنیتی در مناطق مرزی مورد توجه پژوهشگران بوده است (محمودی، ۱۳۸۴؛ شهرکی، ۱۳۸۸؛ پیربوداکی، ۱۳۷۹؛ پیشرو، ۱۳۸۰؛ سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷؛ رازینی و باستانی، ۱۳۸۱؛ احمدی، ۱۳۸۱؛ Little, Chandoevrit, 2004؛ Katabaazi, 1995؛ Walkenhorst & Dihel, 2006).

(2001). این مطالعات نشان می‌دهند که نگرش دولت‌ها به دادوستد مرزی، پویاکردن اقتصاد نواحی مرزی است که شاخص اصلی برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار معاش مردم مرزنشین به‌شمار می‌آید. مطالعات انجام‌شده در مرزهای کنیا و اوگاندا نشان می‌دهند که اکثر خانوارهای ساکن در مناطق مرزی فقط یک‌سوم درآمدشان را از طریق فعالیت‌های کشاورزی به‌دست می‌آورند و دوسوم بقیه از طریق اشتغال مستقیم در مبادلات مرزی تأمین می‌شود (Little, 2001). در این مطالعات، در کنار توجه به متغیرهای اقتصادی و امنیتی، بررسی چالش‌های پیش روی تجارت مرزی نیز مدنظر بوده است. سعیدی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۷) در تحقیقی با نام «بررسی جایگاه بازارچه‌های مشترک مرزی در وضعیت رفاهی مرزنشینان: نمونه مورد مطالعه بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر»، با استفاده از روش پیمایش نشان دادند که با آنکه بازارچه‌های مرزی با فراهم کردن بسترهای اشتغال، درآمد مرزنشینان را افزایش دادند، عملکردشان براساس اهداف تعریف‌شده و هنجارهای قانونی نیست و به مبادی ورود کالاهایی تبدیل شده‌اند که بیشتر منافع افراد غیربومی را تأمین می‌کنند. تحقیقات دیگری مشکلات و نارسایی‌های تجارت مرزی را از منظر فعالیت‌های قاچاق و مبادلات غیررسمی بررسی کرده‌اند. مطالعات انجام‌شده در منطقه هورن آفریقا (شرق آفریقا و شامل کشورهای سومالی، جیبوتی، اریتره و اتیوپی) نشان می‌دهند که موانع عمده‌ای چون تعرفه‌های بالا، کنترل‌های نابجای تجاری، محدودبودن سهمیه‌های تجاری و بالاخره تغییرات نرخ ارز که هر یک در نوع خود باعث کاهش تجارت رسمی شده، زمینه انجام حجم وسیعی از مبادلات غیررسمی مرزی میان این کشورها را فراهم کرده است، که طبعاً از طریق کانال‌های رسمی و مذاکرات تجاری بین دولت‌ها هدایت نمی‌شود (Katabaazi, 1995). در سال ۹۵-۱۹۹۴ درآمد حاصل از مبادلات مرزی در این منطقه (هورن آفریقا) بیش از ۳۸ درصد کل تجارت رسمی این کشورها بوده است. این موضوع در نواحی مرزی ایران نیز بررسی شده است. محمودی (۱۳۸۴)

نشان داده است که در مرزهای ایران دادوستد به شیوه قاجاق رایج بوده و ارزش مبادلات مصوب از طریق مبادی قانونی به مراتب کمتر از مقادیری است که از راه‌های غیرقانونی صورت می‌گیرد. بر این اساس می‌توان دریافت که بیشترین تحقیقات انجام‌شده در زمینه تجارت مرزی بر رویکرد اقتصادی و امنیتی و نقش دولت در این فرایند تمرکز کردند و به‌ندرت به نقش عاملان و کنشگران اجتماعی در تکوین تجارت مرزی پرداختند. این موضوع که در فرایند شکل‌گیری بازار مرزی چه کنشگرانی حضور داشتند و چه تأثیری بر نحوه تکوین بازار مرزی داشتند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر بر نقش کنشگران روستایی در شکل‌گیری بازار بانه تمرکز شده و این ایده مطرح شده است که میزان و نوع نقش‌آفرینی کنشگران روستایی در فرایند دادوستد مرزی در گذر زمان جایگاه آنان را در کلیت فعالیت‌های بازار تعیین کرده و تغییراتی را در ابعاد زندگی روستایی به‌وجود آورده است. کنشگران اجتماعی (در اینجا کنشگران روستایی) در گذر زمان و براساس بسترهای فرهنگی و اجتماعی، قواعد و معیارهای معینی برای مواجهه با تجارت مرزی خلق و بازآفرینی کردند و در کنار نقش‌آفرینی نهادهای رسمی و دولتی به شکل‌گیری و تقویت تجارت مرزی نیز یاری رساندند.

افزون بر پژوهش‌های گفته‌شده، تحقیقات دیگری نیز با رویکرد مردم‌شناختی و جامعه‌شناسی اقتصادی انجام شدند که پدیده تجارت مرزی در آنها عمیق‌تر بررسی شده است و ارتباط موضوعی بیشتری با پژوهش حاضر دارند. فادانکیاتی و کنل (۲۰۱۴)، نقش شبکه‌های اجتماعی را در توسعه مبادلات کوچک‌مقیاس در مرز تایلند و لائوس بررسی کردند. در آن منطقه، بیشترین تجار خرده‌پا را زنان تشکیل می‌دهند که با مشارکت خانواده و دوستان‌شان توانسته‌اند کسب‌وکارهای کوچک را برای تأمین معیشت ایجاد کنند و شبکه‌های اجتماعی وسیعی را نیز در طول مرز با دیگر تجار شکل داده‌اند. این پژوهشگران استدلال می‌کنند که شبکه، اعتماد، تجربه و آشنابودن نوعی توانایی پیشینی برای این زنان فراهم کرده است که از طریق آن می‌توانند اطلاعات، اخبار و امتیازات تجاری‌ای به‌دست آورند که موفقیت آنان را در

دادوستد تضمین می‌کند. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با نام «برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی؛ مطالعه موردی شهرستان مریوان» با به‌کاربردن روش نظریه زمینه‌ای تلاش کردند پدیده تجارت مرزی را از منظر برداشت و تفسیر مرزنشینان بررسی کنند. از نظر آنان پدیده تجارت مرزی برساختی اجتماعی است و نتیجه واکنش ساکنان منطقه به فرصت‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی، معیشتی و اقتصادی، فامیلی- فرهنگی و سیاسی است. با بررسی تجارت مرزی در مرز اوکراین و اسلواکی بر نقش عاملان تأثیرگذار بر مرز - به‌ویژه کارگزاران دولتی- تأکید شد و نشان داده شد که مأموران گمرکی، دربانان و تسهیل‌کنندگان تأثیر زیادی بر فعالیت‌های تجاری در مرز دارند (به‌نقل از قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۰). کیانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با نام «نقش اشتراکات فرهنگی در توسعه پایانه تجارت مرزی تمرچین در شهرستان پیرانشهر» نشان دادند که اشتراکات فرهنگی بین ساکنان دوسوی مرز (کردستان ایران و کردستان عراق) نقش مثبتی در گسترش فعالیت بازارچه تمرچین داشته است.

پژوهش حاضر از زاویه‌ای دیگر و با تمرکز بر نقش کنشگران روستایی در فرایند پیدایش بازار مرزی بانه به بررسی موضوع پرداخته و تغییرات مناطق روستایی را در پرتو این نقش‌آفرینی بررسی کرده است. نواحی مرزی، نظام رفتاری و اجتماعی ویژه‌ای دارند و دادوستد مرزی یکی از ابعاد مهم گستره زندگی اجتماعی و اقتصادی مردمان مرزنشین به‌شمار می‌آید که برآیند کنش‌های فردی و جمعی افراد درگیر در این فرایند است. بازار مرزی که نتیجه کنش‌های انسانی در فرایند دادوستد مرزی است، پدیده‌ای «حک‌شده»^۱ (بسترمند)، قراردادی و مبتنی بر ارزش‌ها و روابط اجتماعی و فرهنگی است. ایده نظری پژوهش حاضر این است که فرایندهای اقتصادی مرزی در این ناحیه تاریخ‌مندند و به‌دلیل حک‌شدگی کنش اقتصادی در روابط اجتماعی و فرهنگی (Swedberg & Polanyi, 1992; Granovetter, 1985)

1. Embeddedness

Granovetter, 1992؛ سویدبرگ؛ ۱۳۹۱) تکوین یافته و در بستر اجتماعی جریان یافته‌اند. کنشگران روستایی حلقه‌های آغازین و تداوم‌بخش این فرایند هستند. آنان با ارتباطاتی که در گذر زمان با آن سوی مرز ایجاد کرده‌اند، حلقه‌های اتصال مهمی برای تقویت و تحکیم مناسبات تجاری به‌وجود آورده‌اند. دولت با قانونمندی کردن تجارت مرزی کوشیده است اهدافی نظیر ایجاد اشتغال، تأمین درآمدهای قانونی، تثبیت جمعیت و افزایش امنیت مرزها را دنبال کند، اگرچه درپیش گرفتن چنین سیاستی از سوی دولت، به‌دلیل وجود بنیان‌ها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان دو سوی مرز است. پیوندهای موجود بین ساکنان دو طرف مرز، عامل مهمی در گسترش و تقویت تجارت مرزی است و دولت در چنین بافت و ساختاری، بسترساز و تسهیل‌گر مبادلات اقتصادی است. از این‌رو نمی‌توان دادوستد مرزی را - به‌عنوان یکی از مظاهر کنش اقتصادی- جدای از این فرایندهای اجتماعی تحلیل کرد. در جامعه‌شناسی اقتصادی جدید این ایده مطرح شده است که کنش اقتصادی در بطن روابط اجتماعی قرار دارد. ایده جدایی‌ناپذیری کنش اقتصادی از ساختارهای اجتماعی را کارل پولانی در قالب مفهوم «حک‌شدگی» مطرح کرد و بعدها مارک گرانووتر (از پیشگامان جامعه‌شناسی اقتصادی جدید) آن را وسعت بخشید. «حک‌شدگی» به‌معنای استقلال‌نداشتن کنش اقتصادی از ساخت اجتماعی است. کنش اقتصادی ریشه در ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بنیادی‌تری دارد که زمینه‌های اصلی کنش‌عاملان اقتصادی را تشکیل می‌دهند. جدایی‌ناپذیری کنش اقتصادی از ریشه‌های اجتماعی‌اش به این معناست که «کنش اقتصادی اسیر تور شبکه‌ها، نهادها و مناسبات غیراقتصادی است» (پولانی، ۱۹۹۲، ۳۴). مبادلات اقتصادی در فرایند کلی‌تر مبادله اجتماعی ریشه دارند و رفتار بازاری نیز به‌هنگام‌ها و الگوهای فرهنگی وسیع‌تر به‌هم‌پیوستگی مربوط می‌شود. گرانووتر معتقد است کنش اقتصادی تحت تأثیر انگیزه‌های غیراقتصادی است و نهادهای اقتصادی از نظر اجتماعی در چارچوب تاریخ و مجموعه‌ای از مناسبات قدرت و ترکیبی از نهادها شکل می‌گیرند (Swedberg & Granovetter, 1992, 90).

روش‌شناسی تحقیق

داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی، یعنی مشاهده مستمر، مصاحبه و گفت‌وگوی عمیق، تجربه زیسته پژوهشگر، و بررسی اسناد و مدارک به دست آمدند. ابتدا با بررسی اکتشافی اطلاعات پایه‌ای در مورد افراد و روستاییان فعال در بازار، مطلعان محلی، روستاهای درگیر در تجارت مرزی، و معابر ورود کالا به دست آمدند و در مراحل بعدی بر این مجموعه تمرکز شد. به همین دلیل به دفعات از این مناطق بازدید شد. برای دستیابی به افراد و انجام مصاحبه‌ها از روش «گلوله برفی»^۱ (فلیک، ۱۳۹۱) استفاده شد. در مجموع با ۳۰ نفر از مطلعان محلی و روستاییان فعال در فعالیت‌های بازار - که در صنف‌های مختلف فعالیت می‌کنند - گفت‌وگو صورت گرفت. بخشی از مطالعه نیازمند مراجعه به آمار و داده‌های ثبتی و اسناد مرتبط بود، از این رو بررسی آمارها و اسناد نیز در دستور کار قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰) استفاده شد. «این روش یکی از روش‌های کلاسیک تحلیل داده‌های متنی است، که از ویژگی‌های برجسته آن استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری دریافت شده‌اند و روی داده‌ها اعمال می‌شوند. مقوله‌های برگزیده لزوماً براساس این داده‌ها تدوین نشده‌اند» (فلیک، ۱۳۹۱، ۳۴۷). در پژوهش حاضر کوشش شد متن به شیوه‌ای قاعده‌مند و گام‌به‌گام به واحدهای تحلیلی تقسیم شود و مقوله‌ها براساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین یابند. استخراج مقوله‌ها براساس فن تلخیص صورت گرفت و با تقلیل، تعبیر و تعمیم بخش‌های مرتبط متن، امکان ایجاد مقوله‌ها فراهم شد. بخش‌هایی که ارتباط کمتری داشتند یا تعبیراتی که دارای معنایی مشابه بودند کنار گذاشته شدند و تعبیرات مشابه در یک گروه جمع و خلاصه شدند. در نهایت، براساس مقوله‌های استخراج شده از متن و با استفاده از مفاهیم نظری، تحلیل انجام گرفت.

1. Snowballing

یافته‌های پژوهش

حک‌شدگی کنش‌های اقتصادی در مناسبات اجتماعی

برای فهم بهتر روابط اقتصادی و تجاری بانه با کردستان عراق باید آن را در بستر جریان‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد. این موضوع با نام «حک‌شدگی کنش اقتصادی در روابط اجتماعی» در چند بعد (تاریخی، مکانی، شغلی، فرهنگی و پیوندهای خویشاوندی) در اینجا بررسی شده است. کنش اقتصادی مرزنشینان در روابط تاریخی و اجتماعی حک شده و زمینه پایه‌گذاری و استمرار مناسبات اقتصادی و تجاری دو سوی مرز را فراهم آورده است. موقعیت جغرافیایی بانه و نزدیکی آن به کردستان عراق بستر لازم را برای پیوند و اتصال اجتماعی فراهم کرده است. بانه حدود ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و موقعیت مکانی آن به‌ویژه در نواحی روستایی، با روستاها و مراکز مبادلاتی عراق، روابط اقتصادی آنان را در متن اجتماعی مشترکی «حک» کرده است. موقعیت مکانی عرصه مهمی است که کنشگران با پیش‌زمینه‌های مشترک فرهنگی، معیشتی و جز اینها را به هم پیوند می‌دهد و عامل مهمی در پیوندهای تجاری است. فاصله زیاد بانه با مراکز بزرگ شهری ایران - به‌عنوان مراکز توزیع کالا- و نبود امکان دسترسی سریع به کالاها - به‌ویژه مایحتاج اساسی- و نیز پرهزینه‌بودن آن، عامل نزدیکی جغرافیایی به عراق را از قدیم به مزیتی مهم بدل کرده است. احمد در این زمینه می‌گوید:

«این منطقه به کردستان عراق نزدیک‌تر است [تا مراکز شهری ایران که توزیع‌کننده کالا هستند] و راحت‌تر می‌توان جنس آورد. هم ارزان‌تر است و هم خیلی زود به‌دست مردم می‌رسد» (مصاحبه با احمد، ۱۳۹۲/۳/۴، بازار بانه).

در گذشته، دوری از مرکز کشور نظارت حکومت مرکزی بر مناطق دورافتاده مرزی را تضعیف می‌کرد و در مراحل آغازین تکوین تجارت مرزی، کنترل مرزها به‌دست مقامات محلی نظیر خان‌ها و عمال آنان می‌افتاد. این افراد قدرت و نفوذ بالایی در منطقه و حتی در کردستان

عراق داشتند و می‌توانستند ارتباطات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را با آن سوی مرز شکل دهند. در دوره پهلوی «در فقدان گروه و تشکیلات سیاسی در کردستان ایران، خان‌ها، سران عشایر و ایلات در فضای سیاسی کردستان ایران تأثیرگذار بودند. سیاست این افراد نیز حفظ قدرت محلی‌شان بود... سیاست اصلی [خان‌های محلی] در مورد کردستان عراق، حفظ مناسبات دوستانه و نزدیک‌شان با سران کردهای عراق ضمن تنش‌زدایی در برابر دولت ایران بود» (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰، ۴۸۵). روابط سیاسی و اجتماعی خان‌های محلی با کردستان عراق، عامل مهمی در اتصال روستاییان با مردمان آن سوی مرز و گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی بود. خان‌ها همه‌کاره روستاها و تعیین‌کننده روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها بودند (طالب، ۱۳۸۷، ۱۶۰). ساختار سیاسی-اجتماعی منطقه این امکان را می‌داد که خان‌ها مرزها را در کنترل داشته باشند و بر روابط اقتصادی و اجتماعی آن سوی مرز تأثیر بگذارند. خوانین شهر بانه علاوه بر دراختیارداشتن روستاهای بانه، در کردستان عراق نیز آبادی‌های زیادی را در تملک داشتند. برای مثال محمدرشیدخان یکی از خوانین بانفوذ بانه، مالک بسیاری از آبادی‌های کردستان عراق نیز بود. وی دهات «وینه»، «داروخان»، «کانی‌بی»، «براله»، «سربراله» و «میرآوا» را در کردستان عراق در اختیار داشت و بسیاری از آبادی‌های بانه نیز در تصرف خویشان او بود. آنها بیشتر کالاهای مورد نیازشان را از کردستان عراق تهیه می‌کردند (توکلی، ۱۳۵۴، ۱۹۵).

در کنار موقعیت مکانی و روابط سیاسی-اجتماعی مقامات محلی با عراق، پیوندهای معیشتی و شغلی نیز شکل‌گیری و تحکیم روابط اقتصادی و تجاری را تسهیل کرده است. از دیرباز منبع اصلی تأمین معیشت ساکنان دو سوی مرز، دام‌داری و کشاورزی بوده است. علی یکی از روستاییان سالخورده در مورد این مناسبات چنین گفت:

«رفت‌وآمد بین مرزی از گذشته وجود داشته است. شغل ما و روستاییان عراقی کشاورزی و دام‌داری بود و در بسیاری از مواقع همدیگر را یاری می‌کردیم. زمین‌های کشاورزی و مراتع ما نزدیک هم قرار دارند. کسی که محصولاتش را سریع‌تر برداشت می‌کرد، فرصت کاری برایش پیش می‌آمد و می‌توانست

به عراق برود و به کارهای کشاورزی یا کارهای دیگر مشغول شود. خان‌ها که با روستاهای آن طرف مرز پیوندهایی داشتند از رعیت خود می‌خواستند تا در کارهای کشاورزی و موارد دیگر به آنان کمک کنند» (مصاحبه با علی، ۱۳۹۲/۱/۱۸، روستای هنگه‌ژال بانه).

اشتراکات معیشتی نقش مهمی در خلق هنجارها و قواعد مشترک در دو طرف مرز داشتند. قواعد عرفی چرای دام‌ها یکی از این موارد است. خلیلی عراقی در کتاب خاطرات سفر به آذربایجان و کردستان در دهه ۱۳۲۰ می‌نویسد: «در مناطق مرزی مقرراتی با نام "آیین‌نامه تعلیف" وجود داشت که براساس آن عشایر مرزی هنگام بهار گله‌های خود را برای چرا به خاک همسایه می‌بردند» (خلیلی عراقی، ۱۳۲۸، ۲۱۳). وجود چنین هنجارهایی ضمن دلالت بر پیشینه ریشه‌دار مناسبات دو سوی مرز، ارتباطات آنان را مستحکم می‌ساخت و آن را در قالب‌های پایدارتری جای می‌داد. بیشتر تماس‌ها و برخوردهای افراد دو سوی مرز در چراگاه‌ها و مزارع کشاورزی صورت می‌گرفت. در این دیدارها درخصوص مسائل شخصی، رویدادها و اخبار دو منطقه و نیازمندی‌های کالایی گفت‌وگو می‌شد، بدین ترتیب طرفین از نیاز یکدیگر مطلع می‌شدند و در دیدارهای بعدی مایحتاج مورد نیاز را به‌دست هم می‌رساندند. هیوا یکی از روستاییان قدیمی منطقه در این زمینه می‌گوید:

«در ایام چرا، روستاییان به راحتی به مراتع یکدیگر می‌رفتند. آنها همدیگر را به خوبی می‌شناختند، با هم غذا می‌خوردند و در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو می‌کردند؛ از پسران و دختران دم‌بخت خود صحبت می‌کردند و در بسیاری از موارد فرصت‌های ازدواج فراهم می‌شد؛ برای اجناسی که هریک از طرفین داشتند مشتری پیدا می‌کردند؛ از نیازها و کمبودهای یکدیگر مطلع می‌شدند و در روزهای آتی کالاها را برای هم می‌بردند» (مصاحبه با هیوا، ۱۳۹۲/۱/۱۶، روستای بلکه).

پیوند خویشاوندی، سازوکار مهم دیگری است که کنشگران روستایی را با آن سوی مرز پیوند می‌داد. با توجه به ارتباطات شغلی و پیوندهای فرهنگی، ازدواج‌های بین‌مرزی رواج داشت و به امری عادی بدل شده بود. در نتیجه طی سال‌ها، پیوندهای خانوادگی و شبکه‌های خویشاوندی مستحکمی میان روستاییان دو طرف مرز ایجاد شد و پیوندهای تجاری به دلیل

پیوندهای خانوادگی قوت می‌یافت. کریم یکی از روستاییانی که اکنون چند باب مغازه در بازار دارد، می‌گوید:

«همسر من عراقی است و فامیل‌های زیادی در عراق داریم. عروسم نیز عراقی است و از فامیل‌های همسر. رفتن ما به عراق مثل رفتن به یکی از شهرها یا روستاهای اطراف است و اصلاً احساس حضور در جایی غریب را نداریم. با فامیل‌های عراقی، شرکت مشترک ترخیص کالا داریم و بدون هیچ مشکلی با هم کار می‌کنیم. ما فرهنگ و زبان مشترک داریم. دوستی‌ها و ارتباطات فامیلی از قدیم تا الآن بوده و بیشتر هم خواهد شد (مصاحبه با کریم، ۱۳۹۲/۳/۲۵، بازار بانه).

پیوندهای فرهنگی و خویشاوندی در تحولات سیاسی منطقه‌ای کارکرد اجتماعی-اقتصادی ویژه‌ای داشتند. پس از حمله رژیم صدام حسین به کردستان عراق و آواره‌شدن ساکنان این منطقه، ایران از پذیرش آوارگان عراقی استقبال کرد (امین‌زاده، ۱۳۹۰؛ اکبری، ۱۳۸۸). اقامت آوارگان کرد عراقی در ایران، زمینه‌آشنایی بیشتر را با فرهنگ ایرانی و ایجاد انگیزه برای افزایش مناسبات اقتصادی فراهم آورد. به‌گفته شهردار اسبق بانه:

«بسیاری از آوارگان کرد عراقی به دادوستد اقتصادی در ایران پرداختند. برای نمونه خودروهایی عراقی و حتی ادوات و ماشین‌آلات سنگین و صنعتی به‌وفور در شهرهای کردستان و دیگر شهرهای ایران وارد شد. این افراد در ایران دوستان و آشنایان زیادی پیدا کردند و پس از بازگشت به عراق همه اینها به سرمایه‌مهمی تبدیل شد» (مصاحبه با شهردار اسبق بانه، ۱۳۹۲/۱/۲۸).

موقعیت مکانی، اشتراکات فرهنگی، پیوندهای خویشاوندی، منابع معیشتی یکسان و روابط تاریخی، حوزه اجتماعی منحصربه‌فردی را به‌وجود آورده که در آن امکان تماس و برقراری ارتباط روستاییان نوار مرزی با آن‌سوی مرز فراهم شده است. در گذر زمان، تجربه و آشنایی به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه روستاییان، پیوندهای تجاری مستحکمی میان آنان ایجاد کرده است. از این‌رو، ورود کنشگران روستایی به چرخه فعالیت‌های بازار، پدیده‌ای اتفاقی نیست و در گذشته روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین‌مرزی ریشه دارد.

جدول ۱. نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام‌شده و مفاهیم حاصل از آنها

گزاره‌های برگرفته از مصاحبه‌ها	عبارت‌ها	مفاهیم استخراج‌شده
<p>حک‌شدگی (حک‌شدگی کنش‌های اقتصادی در روابط اجتماعی)</p>	<p>- نزدیکی و برقراری ارتباط، آشنایی و کسب اطلاع از نیازهای کالایی یکدیگر - وجود پیوندهای، معیشتی، شغلی و خویشاوندی - آشنایی بیشتر با فرهنگ و اقتصاد ایران و شکل‌گیری پیوندهای دوستی - فرهنگ و زبان مشترک - تحولات منطقه‌ای و گسترش ارتباطات سیاسی و اجتماعی - داشتن روابط تاریخی طولانی</p>	<p>- زمین‌های کشاورزی و مراتع ما (دو سوی مرز) در نزدیکی هم قرار دارند، به همین خاطر از گذشته‌های دور همدیگر را می‌شناسیم. در بسیاری از موارد، آشنایی‌ها به ازدواج منجر می‌شد و در مورد مسائل مختلف گفت‌وگو می‌کردیم و از نیازهای یکدیگر مطلع می‌شدیم. روستاییان اجناس مورد نیاز هم را تهیه می‌کردند و در روزهای بعد هنگام مراجعه به مزرعه تحویل می‌دادند. - در گذشته، خان‌های محلی پیوندهای نزدیکی با آن سوی مرز داشتند و خیلی از آنان مالک روستاهای کردستان عراق هم بودند. - ما از نظر فاصله به عراق خیلی نزدیک هستیم و راحت می‌توانیم کالا بیاوریم و به‌صرفه‌تر است. - پیوندهای فامیلی با عراق زیاد است و از گذشته هم بوده و بیشتر هم می‌شود. ما یک فرهنگ و زبان مشترک داریم. با خویشاوندان عراقی شرکت‌های مشترکی در زمینه صادرات واردات داریم. - تعداد زیادی از آوارگان کرد عراقی در شهرهای کردنشین و دیگر شهرهای ایران ساکن شدند و به دادوستد پرداختند. - شکل‌گیری حکومت اقلیم کردستان عراق موجب شد روابط دو سوی مرز در زمینه‌های مختلف گسترش پیدا کند.</p>

ادامهٔ جدول ۱. نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام‌شده و مفاهیم حاصل از آنها

گزاره‌های برگرفته از مصاحبه‌ها	عبارت‌ها	مفاهیم استخراج‌شده
<p>-تغییر شیوهٔ معیشت -کاهش نیروی بخش کشاورزی</p>	<p>-وابستگی معیشت روستاییان به درآمدهای حاصل از دادوستد مرزی -فعالیت تعداد زیادی از روستاییان به‌صورت کول‌بری</p>	<p>-زمین‌های کشاورزی کمی داریم، از قدیم هم بیشتر دام‌داری می‌کردیم که آن‌هم امروز به‌دلیل از بین رفتن مراتع و کم شدن جنگل‌ها خیلی کم شده است. -اگر مرز نباشد نمی‌توانیم زندگی‌مان را اداره کنیم. -فقط با کار کشاورزی نمی‌توان شکم زن و بچه را سیر کرد. کالاهایی که مردم خیلی راحت از اینجا تهیه می‌کنند، روی پشت افرادی مثل من آورده می‌شود. کار اصلی ما (بخش زیادی از روستاییان) کول‌بری است. در ازای دستمزد، کالاهای تاجران را حمل می‌کنیم. -وقتی زمین کم باشد و درآمد هم نداشته باشد، با یک یا دو نفر می‌شود آن را اداره کرد. بقیهٔ خانواده بیکار می‌شوند و باید سراغ آوردن کالا از مرز رفت. -وقتی مرز هست چرا باید ماه‌ها به‌انتظار نشست تا کشاورزی به‌بار بشیند، تازه اگر به‌بار بنشیند. -خیلی از مواقع، ادوات کشاورزی مثل تراکتور، قاطر و اسب برای حمل و نقل کالا استفاده می‌شود.</p>

ادامهٔ جدول ۱. نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام‌شده و مفاهیم حاصل از آنها

مفاهیم استخراج‌شده	عبارت‌ها	گزاره‌های برگرفته از مصاحبه‌ها
<p>-قبلاً کشاورزی می‌کردم ولی فایده‌ای نداشت. وارد کار آوردن کالا از مرز شدم و کم‌کم سرمایه‌ای به‌دست آوردم و به بازار شهری آمدم و مغازه‌داری را شروع کردم.</p> <p>-بودن در بازار بهتر از ماندن در روستاست. در بازار فرصت‌های زیادی وجود دارد، آشناهای جدید پیدا می‌کنی و مشتری هر نوع جنسی را می‌شود پیدا کرد.</p> <p>-روستاییانی که در بازار مغازه دارند یا در کار قاچاق هستند مثل تاجران و ضمانت‌چی‌ها درآمد بالایی دارند؛ اما این سرمایه‌ها به روستا بازگشتی ندارد و در بخش املاک به‌کار گرفته می‌شود.</p> <p>-وارد کردن کالا این امکان را به من می‌دهد که درآمد بیشتری به‌دست بیاورم و در شهر راحت‌تر زندگی کنم.</p> <p>-روستا در بسیاری از موارد به محل تفریح آخر هفتهٔ بازاریان تبدیل می‌شود و آنها دیگر در روستا زندگی نمی‌کنند.</p> <p>-خیلی‌ها ترجیح می‌دهند در شهر زندگی کنند؛ بقیه هم که در روستا مانده‌اند مثل شهری‌ها زندگی می‌کنند.</p>	<p>-کسب درآمد بیشتر و اندوختن سرمایه و ورود به بخش بازار</p> <p>-جذابیت بازار شهری برای روستاییان</p> <p>-فعالیت روستاییان مرفه در نقش تجار و ضمانت‌چی‌ها</p> <p>-خروج سرمایه‌ها و به‌کارنگرفتن آنها در توسعهٔ منطقه</p>	<p>-ترکیب شهری- روستایی بازار</p> <p>-گسترش شهرنشینی</p> <p>-مهاجرت به شهر</p>

جایگاه روستاییان در بازار

ترکیب شهری- روستایی بازار بانه

در بخش پیشین ذکر شد که بازار بانه در فرایندی تاریخی شکل گرفته است و بین این بازار و ساکنان مناطق روستایی وابستگی وجود دارد. ساکنان نوار مرزی از گذشته‌های دور پیوندهای

خویشاوندی و ارتباطات شغلی زیادی با آن طرف مرز داشتند. حضور وسیع روستاییان در تجارت مرزی سبب شد که بازار بانه از حیث کنشگران نوعی هویت «شهری- روستایی» بیابد. با رونق بازار، گروه‌های مختلفی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی ظهور کردند که خاستگاه اجتماعی اکثر آنها، نواحی روستایی است. گروه‌های بازار عبارت‌اند از: تجار عمده^۱، تجار خرده‌پا^۲، ضمانت‌چی‌ها^۳، کول‌برها^۴، دست‌فروش‌ها، و باربران بازار. برخلاف تصور عمومی، فعالیت روستاییان صرفاً به بخش‌های فرودست نظیر باربری و دست‌فروشی محدود نمی‌شود بلکه در لایه‌های بالاتر بازار نظیر واردات کالا یا در نقش ضمانت‌چی نیز روستاییان حضور دارند. نکته درخور توجه اینکه کسب این جایگاه اتفاقی نیست و ریشه در مناسبات مستمری دارد که روستاییان از گذشته‌های دور با کردستان عراق برقرار کرده‌اند. این مناسبات، جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برای آنان به‌وجود آورد و «موقعیت اجتماعی» به کسب «موقعیت اقتصادی» آنان در بازار کمک کرد. ورود روستاییان به بازار، ترکیب کنشگران بازار را دستخوش تغییر کرد و هویت دوگانه شهری- روستایی به آن بخشید. نوعی هم‌زیستی بین کنشگران بازار اعم از شهری و روستایی وجود دارد که کلیت بازار را می‌سازد. با آنکه منشأ هویت فعالان بازار را می‌توان در مؤلفه‌های شهری یا روستایی بررسی کرد، اما نوعی منطق فضایی- مکانی بر بازار حاکم است که کنشگران شهری و روستایی خود را بدان منتسب می‌کنند. بسیاری از روستاییانی که در بازار کار می‌کنند خودشان را متعلق به بازار و چه‌بسا آن را نجات‌دهنده خویش قلمداد می‌کنند. این

-
۱. تاجر عمده کسی است که تجارت را در مقیاس بالا انجام می‌دهد و کالا را عمدتاً از طریق مسیرهای قاچاق یا «بازارچه‌های موقت» وارد می‌کند.
 ۲. این گروه از بازاریان برخلاف تاجران عمده که به واردات هر نوع کالا و انجام دیگر فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند، نوع خاصی از کالاها را در مقیاس محدود وارد می‌کنند.
 ۳. ضمانت‌چی کسی است که در ازای دستمزد، رسیدن بی‌نقص و ضرر کالاها و اجناس را به دست صاحبش ضمانت می‌کند.
 ۴. کول‌بر در اصطلاح محلی به فردی گفته می‌شود که کالاها را بر پشت خود حمل می‌کند.

مسئله به معنای ارجحیت دادن روستاییان به کار در بازار و میل بیشتر آنان به زندگی در شهر است. جاذبه مهم بازار برای روستاییان، امکان دسترسی به کار و بالابودن فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی است. چنین نگرشی، روستاییان را به نتایج خاصی در زندگی و اقتصاد روستایی رسانده است. قادر یکی از روستاییانی که در بازار کار می‌کند، می‌گوید:

«بودن در بازار بهتر از ماندن در روستاست. کشاورزی هم می‌کنم اما زیاد به‌صرفه نیست. اینجا [بازار] فرصت‌های زیادی برای آدم پیش می‌آید. با آدم‌های زیادی سروکار دارم و خیلی چیزها می‌شود فروخت. مشتری هر نوع جنسی اینجا وجود دارد» (مصاحبه با قادر، ۱۳۹۲/۳/۵، بازار بانه).

پیوند روستاییان با فعالیت‌های بازار موجب شده است که فضای جامعه روستایی در بسیاری از ابعاد با مؤلفه‌های شهری درآمیزد و استقلال پیشین خود را از دست بدهد؛ البته ورود فناوری‌های جدید ارتباطی به مناطق روستایی نیز در این فرایند مؤثر بوده است. به‌هرحال، وقوع دگرگونی‌های مهمی در عملکرد مادی روستاها، اقتصاد روستایی را دستخوش تغییر کرده است. از اواخر دهه ۱۳۷۰ به این‌سو، حضور روستاییان در بازار و تمایل آنان به پرداختن به فعالیت‌های غیرکشاورزی افزایش زیادی یافته و بازار هویتی شهری- روستایی پیدا کرده است. این تحول از یک طرف مؤلفه‌های زندگی شهری را در مناطق روستایی رواج داده و از سوی دیگر روستاییان را به شهر آورده است. به‌گفته یکی از روستاییان:

«الآن دیگر همه چیز زندگی ما مثل شهری‌ها شده است. مثل آنها لباس می‌پوشیم، خانه‌های مان را مثل خانه‌های شهری ساختیم، همه چیز را می‌خریم و خودمان تولید نمی‌کنیم. خیلی‌ها هم دوست دارند در شهر زندگی کنند».

روستاییان فرودست

روستاییان فرودست فعال در بازار شامل کول‌برها، دست‌فروشان و باربران‌اند. تعداد زیادی از روستاییان در قالب کول‌بر - به‌صورت قاچاق یا قانونی- نیروی حیاتی واردات کالا به بازار بانه

به‌شمار می‌آیند. براساس مقررات، سرپرستان خانوارهای روستایی که روستای آنها از نقطه صفر مرزی حداکثر ۲۰ کیلومتر فاصله دارد، مجازند به‌صورت کول‌بری - حمل کالا بر پشت- در بازارچه‌های موقت فعالیت کنند. این افراد دفترچه تردد مرزی دریافت می‌کنند. کول‌برها مجازند هفته‌ای سه دفعه و هر دفعه تا سقف ۳ میلیون ریال با آن طرف مرز کالا دادوستد کنند^۱ (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ۷۲). «طبق اظهارات مسئولان محلی، بیش از ۹۰۰۰ کول‌بر در بازارچه‌های موقت فعالیت می‌کنند. بیشتر کالاهایی که مجازند از این معابر وارد شوند شامل پوشاک، لوازم خانگی سبک و خشکبار هستند» (مصاحبه با بخشدار بوئین، ۱۳۹۲/۸/۱۱). براساس اظهارات بازاریان، سایر کالاها نظیر تلویزیون‌های ال.سی.دی، کولر گازی، و لوازم آرایشی از معابر غیررسمی و به‌صورت قاچاق وارد بازار می‌شوند.

کول‌برها دو گروه هستند. دسته‌ای از آنان در بازارچه‌های موقت کار می‌کنند و گروه دیگر در زمینه کالاهای قاچاق اشتغال دارند. کول‌برهای کالاهای قاچاق برخلاف کول‌برهای بازارچه‌های موقت - که دفترچه و مجوز فعالیت دارند- به‌شیوه غیررسمی و قاچاقی و تحت امر ضمانت‌چی‌ها و در شب کار می‌کنند. روستاهای آنان غالباً مشمول طرح دریافت دفترچه‌های تردد مرزی نمی‌شوند. اغلب کول‌برهای کالای قاچاق بیکارند و اشتغال به کشاورزی هم برای‌شان سودآور نیست. احمد که یکی از این کول‌برهای کالاهای قاچاق است، در این زمینه می‌گوید:

«کشاورزی کفاف خرج زندگی را نمی‌دهد. نمی‌شود با پنج یا شش نفر خانوار از طریق کشاورزی امرار معاش کرد. زمین‌های ما را یک یا دو نفر به‌راحتی می‌توانند بچرخانند و بقیه بیکارند. وقتی مرز هست چرا باید ماه‌ها انتظار کشید تا محصول کشاورزی به‌بار بنشیند؛ تازه اگر به‌بار بنشیند! امروزه اکثر

۱. مواقعی که واردات کالا کم است، فعالیت کول‌برها نیز کم می‌شود و ممکن است در هفته فقط یک نوبت کار کنند (مصاحبه با افراد محلی).

جوانان در بخش خدمات کار می‌کنند و از وسایل کشاورزی مثل تراکتور، ماشین‌های باری و قاطر و اسب هم برای حمل‌ونقل کالا استفاده می‌شود» (مصاحبه با احمد، ۱۳۹۲/۲/۲۰، روستای هنگه ژال). از آنجاکه کول‌برها اکثراً از نظر مالی افرادی کم‌بضاعت و ناآشنا به فنون تجارت هستند، به‌جای دادوستد کالا فقط به جابه‌جایی و حمل کالاهای تجار در ازای دستمزد می‌پردازند. بدین ترتیب، سهمیه قانونی کول‌برها برای دادوستد کالا در بازارچه‌های موقت مرزی در اختیار تجار قرار می‌گیرد و آنها نیز به‌پرهیز از پرداخت حقوق گمرکی، محدودیت‌های مربوط به مجوز واردات و بوروکراسی دست‌وپاگیر، از این امتیاز استفاده می‌کنند. بخشی از این کالاها وارد بازار بانه می‌شود و بقیه به سایر شهرهای کشور ارسال می‌گردد. یکی از کول‌برها به نام رضا می‌گوید: «کالاهایی که ما حمل می‌کنیم مال تاجران است. آنها را نمی‌شناسم و فقط درباره‌شان شنیده‌ام. هم بانه‌ای هستند، هم از شهرهای دیگر مثل تهران. مردم می‌گویند بعضی از این تاجران قدرت زیادی دارند و تهرانی هستند. آنها عده‌ای را در بانه و عراق استخدام کرده‌اند تا برای‌شان کار کنند. ما هم در اینجا کارمان حمل‌ونقل اجناس آنهاست و دستمزد می‌گیریم» (مصاحبه با رضا، ۱۳۹۲/۳/۲۲، بازارچه مرزی در مرز عراق).

بخش دیگری از روستاییان فعال در بازار که جایگاه فروتری دارند، دست‌فروشان و باربران هستند. خاستگاه اجتماعی اکثر دست‌فروشان بازار و باربران، روستاست. برخی از آنان در حاشیه شهر ساکن‌اند و بقیه هنگام غروب به روستاهای‌شان برمی‌گردند. بسیاری از جوانان روستایی دست‌فروشی را فعالیت مناسبی برای خود می‌دانند و آن را بر ماندن در روستا و اختصاص تمام وقت‌شان به کار در بخش کشاورزی ترجیح می‌دهند. باربران هم مانند دست‌فروشان جایگاه اجتماعی پایینی دارند و در زمره قشر آسیب‌پذیر بازار به‌شمار می‌آیند. آنها در روستا زندگی می‌کنند و در طول روز در بازار باربری می‌کنند. در میان این افراد، کول‌برهای کالاهای قاچاق نیز وجود دارند. باربران روز، هنگام شب به کول‌برهای کالاهای قاچاق تبدیل می‌شوند. بسیاری از آنها آرزوی دریافت دفترچه تردد مرزی مخصوص کول‌برها را دارند، اما از آنجاکه

روستاهای‌شان در زمره این طرح قرار نمی‌گیرند ناگزیز به انجام فعالیت‌های کارگری در حاشیه بازار هستند. این افراد نکاتی درخصوص «دفترچه‌های تردد مرزی» مطرح کردند که درخور توجه است. طبق مقررات، کسانی می‌توانند دفترچه تردد مرزی دریافت کنند که روستای‌شان از نقطه صفر مرزی حداکثر ۲۰ کیلومتر فاصله داشته باشد. چند نفر از باربرها ادعا کردند: «بسیاری از کسانی که روستای‌شان در نوار مرزی نیست و کیلومترها با مرز فاصله دارند، حتی بانه‌ای هم نیستند دفترچه گرفته‌اند. اگر کسی پارتی یا پول داشته باشد می‌تواند دفترچه کول‌بری بگیرد. چند نفری را می‌شناسیم که از این راه دفترچه دریافت کرده‌اند. البته شما این را نشنیده بگیرید!» (مصاحبه با جمعی از باربران، ۱۳۹۲/۷/۱۱، محوطه بازار بانه).

روستاییان فرادست

روستاییان متمول با مهاجرت به شهر به‌عنوان مغازه‌دار، واردکننده کالا، و ضمانت‌چی مشغول کار شدند و به جایگاه روستاییان در بازار بانه ارج و قرب بخشیدند. بخش عمده تجار را جوانان آشنا به فنون تجارت تشکیل می‌دهند؛ به‌ویژه جوانان روستایی که به‌دلیل هم‌جواری روستاهای‌شان با کردستان عراق، پیوندهای عمیقی با آن سوی مرز ایجاد کرده‌اند. فعالیت قاچاق در مقیاس بالا، نقش مهمی در افزایش سرمایه‌های آنان دارد و این سرمایه‌ها غالباً در شهرها و در بخش املاک و مستغلات به کار گرفته می‌شوند. به‌گفته یکی از مسئولان محلی: «آنهايي که در بازار مغازه دارند و کار قاچاق می‌کنند، مثل ضمانت‌چی‌ها و تجار، درآمد بالایی دارند اما این سرمایه به اینجا [روستای محل زندگی] برنمی‌گردد. این افراد ولع زیادی برای ساختن مجتمع‌های تجاری یا خرید واحدهای تجاری دارند. بسیاری از جوانان روستایی به‌محض اینکه وضع‌شان خوب می‌شود، شروع به خرید مغازه یا ماشین می‌کنند. در بسیاری از مواقع روستا به محل تفریح آخر هفته‌های روستاییان مرفه [آنهايي که سرمایه‌های زیادی در بازار دارند یعنی ضمانت‌چی‌ها و تجار]

تبدیل می‌شود. کار و زندگی این افراد در شهر است» (مصاحبه با اعضای شورای روستای ننور، ۱۳۹۲/۲/۱۶).

بخشی دیگر از روستاییان فرادست نوعی زندگی شهری- روستایی دارند. آنها عمدتاً در زمره مغازه‌داران و تاجران خرده‌پا هستند. این روستاییان نقش مهمی در ترویج مؤلفه‌های زندگی شهری در روستاها دارند. آنان با خریدن یا اجاره کردن مغازه در بازار دادوستد می‌کنند، اما ارتباطشان را به‌طور کامل با روستا قطع نکرده‌اند. کاوه یکی از مغازه‌دارانی است که هنوز در روستا زندگی می‌کند، وی می‌گوید:

«هر روز صبح به بازار می‌آیم و غروب به روستا برمی‌گردم. مثل من زیاد است، که هنوز در روستا زندگی می‌کنند. زندگی در روستا و کار در شهر را ترجیح می‌دهم. من مغازه را اداره می‌کنم و برادرم کالا وارد می‌کند» (مصاحبه با کاوه، ۱۳۹۲/۲/۱۴، بازار بانه).

با توجه به آنچه گفته شد، روستاییان در بخش‌های مختلف بازار حضور دارند. اگرچه تعداد نسبتاً زیادی از آنان (به‌ویژه کول‌برها) در فعالیت‌های فرودست مشغول به کارند، اما میان تجار یا ضمانت‌چی‌ها نیز روستاییان زیادی وجود دارند. ورود روستاییان به عرصه تجارت مرزی تغییراتی در کلیت جامعه روستایی ایجاد کرده که ممکن است در آینده نیز با شدت بیشتری ادامه پیدا کند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که شهرهای فعال در عرصه تجارت مرزی - نظیر بانه و مریوان- در مقایسه با دیگر شهرهای استان کردستان آهنگ تحولات سریع‌تری داشته‌اند. در ادامه به برخی از این تغییرات اشاره می‌شود.

آثار تجارت مرزی در مناطق روستایی بانه

تغییرات جمعیتی و مهاجرت

رشد تجارت مرزی در شهرستان بانه تا اوایل دهه ۱۳۷۰ بطئی بود و تغییر چندانی در ساخت اقتصادی مناطق روستایی و شهری آن ایجاد نشد (امین‌زاده، ۱۳۹۰). از اواخر دهه ۱۳۷۰،

بخش وسیعی از جمعیت روستایی و شهری به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد عرصه تجارت مرزی شد و به تدریج تغییراتی در ساخت اقتصادی و میزان شهرنشینی و روستانشینی به وجود آمد. در زمان جنگ ایران و عراق، براساس سیاست‌های دولت، بسیاری از روستاییان خانه و زمین‌های کشاورزی خود را در مقابل دریافت خسارت مالی ترک کرده بودند تا در شهر سکونت یابند^۱، به همین دلیل کاهش شدیدی در جمعیت مناطق روستایی در آن سال‌ها رخ داد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، کاهش جمعیت روستایی در سال‌های جنگ نزدیک به ۱۴ درصد بود. در آن سال‌ها روستاییان نوار مرزی با تخلیه روستاها ناگزیر در شهر و نواحی مرکزی ساکن شدند. با پایان گرفتن جنگ و برگشت آرامش و امنیت به نوار مرزی، جمعیت روستایی تقریباً ثابت ماند. در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ جمعیت روستایی فقط یک درصد کاهش یافت و تا اواسط دهه ۱۳۷۰ افزایش داشت (جدول ۲). از اواسط دهه ۱۳۷۰ به بعد، جمعیت روستایی با شتاب بیشتری کاهش یافت. در سال ۱۳۷۰ بیش از ۵۵ درصد جمعیت در نقاط روستایی ساکن بودند، که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۳۱/۵ درصد کاهش یافت. این تغییرات در مقایسه استانی نیز کاملاً معنادار است. کاهش جمعیت روستایی شهرهای بانه و مریوان - که دارای بازارهای مرزی‌اند - در مقایسه با شهرهای دیگر استان سریع‌تر بوده است. جمعیت روستایی شهر بانه در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۱/۵ درصد و برای مریوان از دیگر شهرهای دارای بازار مرزی در استان ۲۷/۶ درصد بود. در شهرهای دیگر استان، مانند بیجار ۴۴/۸ درصد، دیواندره ۶۵/۵ درصد، قروه ۳۶ درصد، سقز ۳۲/۵ درصد و کامیاران ۴۷/۲ درصد جمعیت در نقاط روستایی ساکن‌اند (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۰).

در بخش مهاجرت روستا به شهر نیز شهر بانه وضعیت خاصی دارد. براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان مهاجرت روستا به شهر در دوره ۱۰ ساله ۸۵-۱۳۷۵ در استان

۱. این اطلاعات را مطلعان محلی بیان کردند.

کردستان ۲۸/۷ درصد کل مهاجرت در استان بود. این میزان برای شهر بانه ۳۸/۵ درصد و در برخی شهرهای دیگر استان نظیر سنندج ۱۸/۳۹ درصد، سقز ۲۹ درصد، بیجار ۳۱ درصد، کامیاران ۲۴/۲۸ درصد و مریوان ۴۲/۲۷ بود (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵). در شهرهای بانه و مریوان که تجارت مرزی در آنها رایج است، مهاجرت روستا به شهر رقم بالایی بوده است.

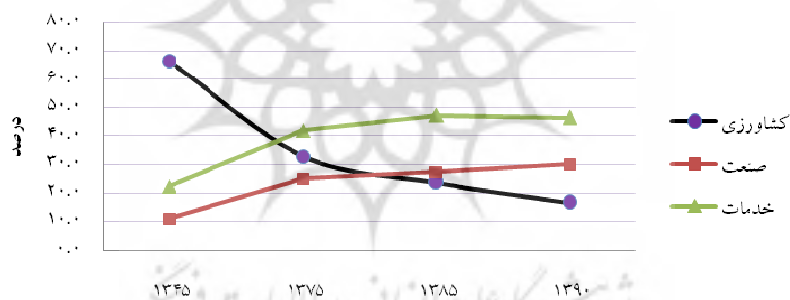
جدول ۲. روند تغییرات جمعیتی شهرستان بانه (۱۳۴۵-۱۳۹۰)

سال	جمعیت شهری	جمعیت روستایی	جمع کل	جمعیت شهری (درصد)	جمعیت روستایی (درصد)
۱۳۴۵	۸۶۱۷	۲۸۰۸۰	۳۶۶۹۷	۲۳/۵	۷۶/۵
۱۳۵۵	۱۵۵۵۲	۳۵۳۰۶	۵۰۸۵۸	۳۰/۶	۶۹/۴
۱۳۶۵	۳۱۰۳۸	۳۹۷۶۰	۷۰۷۹۸	۴۳/۸	۵۶/۲
۱۳۷۰	۴۰۸۳۷	۴۹۷۷۳	۹۰۶۱۰	۴۵/۱	۵۴/۹
۱۳۷۵	۵۵۴۳۳	۵۰۱۷۳	۱۰۵۶۰۶	۵۲/۵	۴۷/۵
۱۳۸۵	۷۴۹۶۰	۴۳۶۹۷	۱۱۸۶۵۷	۶۳/۲	۳۶/۸
۱۳۹۰	۸۹۶۸۰	۴۱۲۹۰	۱۳۰۹۷۰	۶۳/۵	۳۱/۵

کاهش سهم کشاورزی در اشتغال

مواجهه و ارتباط پیوسته شهر و روستا و غلبه فعالیت‌های ناشی از تجارت مرزی، نقش بخش کشاورزی را در اقتصاد روستایی کمرنگ کرده است. براساس آمارهای سرشماری سال ۱۳۴۵، بیشترین گروه شاغلان مربوط به بخش کشاورزی (۶۶/۵ درصد) بود و در حدود ۲۲/۴ درصد به فعالیت‌های بازرگانی و خدمات اشتغال داشتند. این میزان در سال ۱۳۹۰ برای بخش کشاورزی به ۱۶/۸ درصد و در گروه شغلی خدمات به ۴۶/۵ درصد تغییر یافت. سهم کشاورزی در اقتصاد شهر بانه کاهش شدیدی پیدا کرد (شکل ۲). مقایسه شهرهای عمده استان کردستان نشان

می‌دهد که تعداد شاغلان بخش کشاورزی در شهرستان بانه در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ در مقایسه با دیگر شهرها کاهش زیادی داشت. در سال ۱۳۹۰ سهم کل شاغلان بخش کشاورزی در استان کردستان ۲۷/۵ درصد بود که شهرستان بانه ۱۶/۸ درصد را به خود اختصاص داد. پس از بانه، شهرستان مریوان قرار داشت که با فاصله ۱۰ درصدی از شهر بانه، سهم شاغلان کشاورزی در آن ۲۶/۱ درصد برای سال ۱۳۹۰ بود. داده‌ها نشان می‌دهند که در آن سال‌ها، تعداد شاغلان این بخش در شهر بانه در مقایسه با دیگر شهرها کاهش محسوسی یافته بود. برای مثال، سهم شاغلان بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵ برای شهرهای بیجار، دیواندره، قروه و سقز به ترتیب ۴۴/۱، ۶۱/۴، ۴۱/۱ و ۳۳/۶ درصد بود، که در سال ۱۳۹۰ به ترتیب ۴۶/۲، ۵۸/۲، ۳۲ و ۲۷/۵ درصد شد. بنابراین، میزان کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی برای شهرستان بانه شدیدتر بود.



شکل ۲. تغییرات شاغلان گروه‌های عمده شغلی در شهرستان بانه (۱۳۴۵-۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد نقش و جایگاه روستاییان در شکل‌گیری بازار در شهرستان بانه بررسی شود. رابطه بازار و مناطق روستایی در دو سطح پیگیری شد؛ یکی نقش روستاییان در بستر زمان در شکل‌دهی و گسترش دادوستد مرزی و به دنبال آن به وجود آمدن پایه‌های اولیه

بازار؛ و دوم حضور آنان در فعالیت‌های تجاری و تأثیر آن بر مناطق روستایی. براساس نتایج به‌دست‌آمده، دادوستد مرزی پدیده‌ای بسترمند و «حک‌شده» در روابط تاریخی، خویشاوندی، فرهنگی و معیشتی دو سوی مرز است. فعالیت‌های اقتصادی مرزی در منطقه مورد مطالعه بر زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خاصی استوار است که نقش مهمی در تقویت و گسترش شیوه اقتصادی مبتنی بر بازار داشتند. اشکال آغازین دادوستد مرزی با ارتباطات روستاییان نوار مرزی با آن سوی مرز همراه بود، به‌همین دلیل امروزه نیز در میان گروه‌های فعال در مبادلات تجاری و اقتصادی بازار بانه، روستاییان نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند. همین امر به بازار بانه نوعی هویت شهری-روستایی بخشیده که در گذر زمان اقتصاد نواحی روستایی را متحول کرده است. با گسترش فعالیت‌های بازار، تعداد زیادی از روستاییان براساس تجربه و پیوندهای پیشین با آن سوی مرز و نیز سرمایه‌هایی که اندوخته بودند، وارد معاملات و دادوستدهای بازار شدند. برخی از آنان در نقش تاجر خرده‌پا، مغازه‌دار، و ضمانت‌چی و بخش وسیع دیگری به‌واسطه فعالیت‌های کول‌بری، دست‌فروشی، و باربری جایگاهی در بازار پیدا کردند. بدین ترتیب نوع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی مرزی در این منطقه شکل گرفته و جایگاه اقتصادی و اجتماعی روستاییان را درمقایسه با گذشته دگرگون کرده است. تقویت و گسترش فعالیت‌های تجاری و حضور روستاییان در این فعالیت‌ها، به‌معنای کاهش سهم کشاورزی در اقتصاد و کاهش میزان روستانشینی نیز هست. بازار مرزی، کلیت ساخت اجتماعی و اقتصادی مناطق شهری و روستایی این منطقه را دگرگون کرده است. مشاغل جدید، تنوع گروه‌ها و فعالان اقتصادی، تغییر در سبک زندگی، اهمیت و ترجیح زندگی در شهر بر زندگی در روستا، تغییر شیوه معیشت کشاورزی و مانند اینها از تبعات تحول در شیوه اقتصادی این جامعه است. پیش از رونق بازار، اشتغال به کشاورزی و دام‌داری جایگاه نسبتاً باثباتی داشت اما با ورود خیل عظیم روستاییان به عرصه تجارت مرزی، اقتصاد روستایی جایگاه تولیدی خود را به فعالیت‌های مرتبط با بازار و بخش خدمات داد. براساس آمارهای سرشماری سال ۱۳۴۵،

بیشترین گروه شاغلان در بخش کشاورزی بودند (۶۶/۵ درصد) و در حدود ۲۲/۴ درصد به فعالیت‌های بازرگانی و خدمات اشتغال داشتند. این میزان در سال ۱۳۹۰ برای بخش کشاورزی به ۱۶/۸ درصد و در گروه شغلی خدمات به ۴۶/۵ درصد تغییر کرد. سهم بخش کشاورزی در اقتصاد بانه در مقایسه با دیگر شهرهای استان بسیار کاهش یافته است. به‌طور میانگین ۲۷/۵ درصد شاغلان استان کردستان در بخش کشاورزی فعال‌اند که این میزان برای شهر بانه بسیار کمتر از میانگین استانی است (۱۶/۸ درصد). اگرچه هنوز ۳۱/۵ درصد جمعیت این شهر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، شیوه غالب معیشت و اقتصاد روستایی همان دادوستد مرزی و فعالیت‌های بازار است. تغییری اساسی در شیوه معیشت روستاییان رخ داده است و با ادامه این روند، در آینده تغییرات بیشتری نیز اتفاق خواهد افتاد.

منابع

- احمدی، خسرو، ۱۳۸۱، بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی در اقتصاد استان بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- استراوس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۹۰، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
- اسماعیل‌زاده، خالد، سعیدی، علی‌اصغر، ۱۳۸۷، بررسی جایگاه، بازارچه‌های مشترک مرزی در وضعیت رفاهی مرزنشینان؛ نمونه موردی پیرانشهر و سردشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- اکبری، حسین، ۱۳۸۸، بحران حاکمیت در عراق، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.
- امین‌زاده، فتاح، ۱۳۹۰، ۱۰۰ سال تاریخ پیشرفت بانه، نشر آنا، تهران.
- بهمنی قاجار، محمدعلی، ۱۳۹۰، تمامیت ارضی ایران: سیری در تاریخ مرزهای ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران.

محمد امیرپناهی و همکاران _____ بازار مرزی و مناطق روستایی: بررسی نقش و جایگاه روستا بیان در ...

پیروباقی، یوسف، ۱۳۷۹، بررسی عملکرد بازارچه‌های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

پیشرو، حمداله، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی و تعاونی‌های مرزنشین در اقتصاد استان، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و بهرام نصراللهی‌زاده، ۱۳۹۱، پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲.

توکلی، محمد رئوف، ۱۳۵۴، تاریخ و جغرافیای بانه، بی نا

حسن‌زاده، ایرج، ۱۳۹۰، گزارش سخنرانی معاون سیاسی-امنیتی استانداری کردستان، در مجموعه مقالات همایش تخصصی راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران.

خلیلی عراقی، محمدرضا، ۱۳۲۸، خاطرات سفر به آذربایجان و کردستان، چاپ دوم، چاپخانه ارتش.

رازینی، ابراهیم علی و علیرضا، باستانی، ۱۳۸۱، تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی، وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی.

سالنامه آماری استان کردستان، سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰.

سایت اینترنتی استانداری کردستان به نشانی: www.kd.bordermarket.gov.ir

سایت اینترنتی فرمانداری بانه به نشانی: www.baneh.gov.ir

سویدبرگ، ریچارد، ۱۳۹۱، منفعت‌طلبی و ساختار اجتماعی، مباحثی در جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، انتشارات لوح فکر، تهران.

شهرکی، ناصر، ۱۳۸۸، بررسی عملکرد و بازارچه‌های مرزی از سال ۸۷-۱۳۸۴ ارائه راهکار جهت بهبود وضعیت یا رفع تنگناها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

طالب، مهدی با همکاری موسی عنبری، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.

فلیک، اووه، ۱۳۹۱، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، چاپ پنجم، تهران.

قادرزاده، امید؛ محمدپور، احمد و امید قادری، ۱۳۹۰، **برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی ارائه یک نظریه زمینه‌ای در شهرستان مریوان**، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۹.

کیانی و همکاران، ۱۳۸۹، **نقش اشتراکات فرهنگی در توسعه پایانه تجارت مرزی تمرچین در شهرستان پیرانشهر**، مجموعه مقالات همایش ملی پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌ها و چالش‌ها، دانشگاه ایلام.

مقصودی، مجتبی، ۱۳۸۴، **نقش گروه‌های قومی در شکل‌دهی به نظام سیاسی عراق**، با تأکید بر نقش کردها، چاپ‌شده در مجموعه مقالات عراق پس از سقوط بغداد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.

محمودی، علی، ۱۳۸۴، **ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، **نتایج سرشماری نفوس و مسکن**.

مصاحبه با فعالان بازار و کارشناسان و مسئولان محلی و استانی.

Chandoevmit, Worawan, Yonguth Chalamwong & Srawooth Paitoonpong, 2004, **Thailand Cross Border Economy, A case study of Sa Keaeoand Chiang Rai**, Thailand Development Resource Institute (TDRI).

Granovetter, M., 1985, **Economic Action and Social Structure: The problem of Em-beddedness**, American journal of sociology, 91, PP. 481-510.

Katabaazi, Sam, 1995, **The Impact of Informal Cross-Border Trade on Food Security and Revenue**, The Situation Uganda/Kenya Border.

Niebuhr, Annetrin & Silvia Stiller, 2002, **Integration Effects in Border Regions- A Survey of Economic Theory Empirical Studies**, Hamburgisches Welt-Wirtschafts Archive (HWWA), Hamburg Institute of International Economics.

Peter D., Little Tegegne Teka, 2001, **Cross-Border Livestock Trade and Food Security in Horn Africa**, Office of Sustainable Development Bureau for Africa.

Phadungkiati, Lada & John Connell, 2014, **Social Networks as Livelihood Strategies for Small-scale Traders on the Thai-Lao border**, Australian Geographer, Vol. 45, PP. 375-391.

Polanyi, K., 1992, **The Economy as Instituted Process**, in The Sociology of Economic Life, Granovetter, Mark, and Richard Swedberg, eds. Boulder, Colo: Westview Press.

Stansfield, Gareth R.V, 2003, **Iraqi Kurdistan: Political Development and Emergent Democracy**, Routledge Curzon, London.

Swedberg Richard and Mark Granovetter, eds, 1992, **The Sociology of Economic Life**, Boudler, Westview Press.

Walkenhorst, Peter and Nora Dihel, 2006, **Trade Impacts of Increased Border Security Concerns**, The International Trade Journal, Vol. 20, PP. 1-31.

